



بررسی جرم قلدری مجازی در حقوق کیفری ایران و آمریکا

سیده آمنه حسینی^۱، محمدرضا زندی^{۲*}، عباس تدین^۳

۱. دانشجوی دکتری، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تهران، ایران

۲. استادیار، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تهران، ایران

۳. استادیار، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

چکیده

سایبربولینگ (قلدری مجازی) پدیده‌ای جدید و چندبعدی است که اگرچه تاکنون محققان موفق به ارائه تعریفی مورد وفاق در مورد آن نگردیده‌اند اما منجر به ورود آسیب‌های زیادی در قربانیان خود خصوصاً نسل جوان گردیده است. سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام محیط‌های جدیدی را برای مرتکبان آن فراهم کرده است که به وسیله آن‌ها پیام‌ها و اطلاعات نادرست را درباره اشخاص منتشر و یا به صفحات شخصی افراد دسترسی پیدا می‌کنند و به تحقیر آن‌ها در فضای مجازی می‌پردازند و این امر ضرورت وجود قوانین کیفری را در این زمینه نشان می‌دهد. هدف از این تحقیق بررسی و تحلیل قلدری مجازی در حقوق کیفری ایران و آمریکا به منظور امکان‌سنجی اعمال این قوانین در خصوص پرونده‌های قلدری مجازی است. لذا در این راستا مفهوم‌شناسی قلدری مجازی، ویژگی‌های خاص آن و نیز قوانین مرتبط و مشابه در این زمینه از جمله هتک حیثیت، تهدید، اذیت و آزار و اخاذی در دو کشور مورد بررسی تطبیقی واقع شد و در نتیجه ضمن بیان محدودیت‌های راهکارهای مدنی در مبارزه با قلدری مجازی و بیان نقاط ضعف این راهکارها برای مقابله با این پدیده و نیز عدم کفایت قوانین مرتبط و موجود؛ ضرورت جرم‌انگاری آن در حقوق کیفری دو کشور مشخص گردید. در این تحقیق از روش تحلیلی توصیفی و کتابخانه‌ای استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: قلدری مجازی، هتک حیثیت، تهدید، شبه جرم، اذیت و آزار

E-mail: Dr.z.cyber@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله:





۱. مقدمه

قلدری مجازی پدیده‌ای نوین در دنیای مدرن امروزی است که دارای اثرات زیان‌باری در جامعه خصوصاً نسل جوان است و هرچند تلاش‌ها برای تعریف آن توسط سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی صورت پذیرفته اما این امر تاکنون منجر به ارائه یک تعریف پذیرفته‌شده در سطح بین‌المللی نگردیده است. نخستین تعریف شناخته‌شده از واژه قلدری یا مزاحمت سایبری در سال ۲۰۰۰ ارائه شده است؛ اما تعریف این واژه به جهت تحولات بسیار سریع تکنولوژی مدام در حال تغییر است (لورا پردیو، باقرحسینوند و حانیه خیرخواه، ۱۳۹۶: ۳۰). برخی در تعریف قلدری مجازی آن را قلدری الکترونیک و برخی خشونت سایبری و سوءاستفاده الکترونیک دانسته‌اند. (Liat Franco and Khalid, 2019: 6-7) در این تحقیق قلدری مجازی و قوانین مشابه و مرتبط با آن شامل هتک حیثیت؛ تهدید؛ اذیت و آزار و اخاذی مورد بررسی، تدقیق و مطالعه واقع شده است. لذا در این راستا نخست مفهوم‌شناسی قلدری مجازی و ویژگی‌های خاص آن بیان گردیده و در ادامه قلدری مجازی در حقوق کیفری آمریکا تعریف و مجازات‌های آن در این کشور ذکر و نسبت آن با جرایم مشابه و مرتبط مطرح و تحلیل شده است. شایان ذکر است به منظور مطالعه تطبیقی این موضوع در حقوق کیفری ایران نیز مورد بررسی و مطالعه واقع شده است و مصادیق محتمل در این زمینه از قانون جرایم رایانه‌ای و نیز سایر قوانین و نسبت آن با قلدری مجازی و سایر جرایم مشابه و مرتبط بررسی و نتیجه‌گیری شده است. در واقع در این تحقیق ضمن بیان محدودیت‌های راهکارهای مدنی در مبارزه با قلدری مجازی ضرورت جرم‌انگاری متناسب با این پدیده بیان شده است. لذا سؤال اصلی این تحقیق آن است که اولاً آیا راهکارهای مدنی امکان مبارزه با پدیده قلدری مجازی را دارند یا خیر؟ و ثانیاً در صورت وجود محدودیت‌های راهکارهای مدنی آیا قوانین مرتبط و موجود با قلدری مجازی امکان پاسخ‌گویی به نیازهای قربانیان این



پدیده را دارند؟ با مطالعاتی که در این تحقیق صورت گرفته است به نظر می‌رسد راهکارهای مدنی کارایی چندانی در مبارزه با قلدری مجازی ندارند و وجود جرم‌انگاری متناسب از ضروریات حقوق کیفری دو کشور است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

از آنجایی که قلدری مجازی تاکنون در نظام کیفری ایران جرم‌انگاری نشده است، بنابراین کمتر مورد توجه و تحلیل پژوهش‌گران قرار گرفته و بیشتر تحقیقات در این زمینه از منابع لاتین بوده و تحقیقات فارسی بسیار اندکی انجام شده است. تقریباً در تمامی تحقیقات فارسی به تبیین روش‌های اعمال قلدری در فضای مجازی پرداخته شده و تبیین خود حالت قلدری به عنوان جرمی مستقل از دیدگاه این محققان مغفول مانده است. برای مثال در تحقیقی که توسط آقایان غلاملو و کرمی در سال ۱۳۹۹ در زمینه تعقیب مصرانه در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا انجام شد؛ صرفاً تعقیب مصرانه در فضای کلاسیک که یکی از مصادیق اذیت و آزار است مورد مطالعه قرار گرفت. تحقیق دیگری توسط آقایان رحیمی، مهدوی ثابت و دیگران در سال ۱۳۹۷ در خصوص جرم تهدید در حقوق کیفری ایران و آمریکا انجام شد. همان‌طور که پر واضح است تهدید نیز یکی از عناوین مجرمانه موجود در حقوق کیفری دو کشور ایران و آمریکا است که مرتکب می‌تواند به وسیله‌ی آن حالت قلدری را چه در فضای واقعی و چه در فضای مجازی به منصفه ظهور برساند.

در منابع خارجی، تحقیق گلساه بستانچی^۱ در ۲۰۱۹ مرتبط‌ترین تحقیق با جرم‌انگاری قلدری مجازی است. در این تحقیق دو دیدگاه جرم‌انگاری و عدم آن در تعدادی از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا مورد تحلیل قرار گرفت؛ لکن در نهایت موضوع تشخیص جرم‌انگاری مستقل بر عهده قانون‌گذاران کشورها و با توجه به قوانین ملی موجود و مرتبط با قلدری مجازی گذارده شد. در تحقیقی که

^۱ Gulsah Bostanci Bozbayindir



توسط تایفانی سامرال^۲ در سال ۲۰۱۶ انجام شد، چالش‌هایی که در خصوص جرم‌انگاری قلدری مجازی در آمریکا مطرح است؛ لکن در این تحقیق موضوع همپوشانی یا عدم همپوشانی قوانین موجود کیفری با قلدری مجازی بررسی نشده است.

لذا با توجه به سؤالات مطروحه و نظر به اینکه شناخت ماهیت پدیده قلدری مجازی چه از منظر جرم‌انگاری و چه از نظر پاسخ‌دهی به آن در قانون و رویه قضایی در هر دو کشور می‌تواند راهگشا باشد، در این نوشتار با روش تحلیلی-توصیفی و ابزار کتابخانه‌ای در ابتدا مفهوم قلدری و قلدری مجازی تشریح و سپس به ایضاح مواد مرتبط موجود در این زمینه و برخی چالش‌های رو به رو جهت جرم‌انگاری این پدیده پرداخته شد و به نظر می‌رسد قلدری مجازی مفهومی فراتر از قلدری کلاسیک داشته و عناوین موجود در حقوق سنتی به دلیل گستردگی فضای مجازی و ناشناختگی نمی‌تواند پاسخ‌گوی تمامی نیازهای پرونده‌های قلدری مجازی باشند و جرم‌انگاری افتراقی در خصوص این پدیده در حقوق کیفری ایران و آمریکا مرجح خواهد بود.

۲. تعریف قلدری مجازی

واژه سایبر از لغت یونانی *Kybernetes* به معنی سکان‌دار یا راهنما مشتق شده است. سایبر پیش‌وندی است برای توصیف یک شخص، یک شیء، یک ایده و یا یک فضا که مربوط به دنیای کامپیوتر و اطلاعات است. (حقیقی، ۱۳۹۵: ۲) برخی قلدری مجازی را بدین معنی می‌دانند که یک کودک یا نوجوان در معرض پیام متنی، ایمیل یا پست‌های آنلاینی که ماهیت بی‌رحمانه و تهدیدبرانگیز و افتراآمیز دارد قرار می‌گیرد. (Kwasi otopa Antiri, 2016: 133) تعریف اسمیت و شارپ^۳ در سال ۱۹۹۴ از

^۲ Tiffany sumral

^۳ Smith and Sharp



بولینگ بسیار مشهور است. آن‌ها ادعا کردند که بولینگ سوءاستفاده از قدرت به طور سیستماتیک است. (Cheryl E.Sanders and Gary D.phye, 2004: 4) قلدری شکلی از رفتار پرخاش‌گرایانه است که به وسیله زور و تهدید بر دیگران آشکار می‌شود و ویژگی عدم تعادل قدرت و تکرار در آن وجود دارد. (نعمتیان، ۱۳۹۷: ۱۵) قلدری مجازی در مفهوم موسع آن هر رفتار دارای ماهیت سوءاستفاده‌کننده‌ای که توسط مجرمان از طریق موبایل، کامپیوتر یا اینترنت صورت گیرد را شامل می‌شود. (Lucie Cor Coran, Conor MC Guckin and Garry) (Prentice, 2015: 247) برخی قلدری مجازی را «یک صدمه تحمیل‌شده، تکرار شونده و عمدی از طریق استفاده از وسایل الکترونیک، تلفن و کامپیوتر تعریف کرده‌اند»^۴ بعضی دیگر آن را «استفاده از تکنولوژی‌های ارتباط جمعی الکترونیکی برای مزاحمت دیگران تعریف کردند»^۵ به‌طور کلی معنای موسع قلدری مجازی هرگونه استفاده از وسایل ارتباط الکترونیکی که ماهیت قلدرمانه داشته باشد را شامل می‌شود. در ایالات متحده آمریکا قلدری مجازی در سطح فدرال جرم‌انگاری و تعریف مجزا نداشته است اما در سطح ایالتی بسیاری از ایالات از این پدیده تعریف ارائه داده‌اند. برای مثال قانون ایالت میشیگان^۶ در ایالات متحده در سال ۲۰۱۹، سایبربولینگ را به‌طور محدود تعریف می‌کند و آن را شامل بارگذاری عامدانه عبارات و پیام‌های آسیب‌زا در فضای مجازی می‌داند که ترس از صدمه بدنی شدید یا خشونت یا مرگ را در یک فرد متعارف به وجود می‌آورد. (David L. Hudson, Jr, 2020: 290)

⁴ Hinduja and Patchin 2006

⁵ Kowalski et al 2014

⁶ Michigan



۳. ویژگی‌های قلدری مجازی

قلدری مجازی ویژگی‌های خاصی از جمله تکرار رفتار مجرمانه، عدم تعادل قدرت فی‌مابین مرتکب و بزه‌دیده و ناشناختگی را داراست. برای تحلیل قلدری مجازی نخست باید به این موضوع توجه شود که این پدیده در کدام طبقه از جرایم رایانه‌ای جای می‌گیرد؟ با عنایت به اینکه جرایم رایانه‌ای مدرن جرایمی هستند که غالباً پس از پیدایش رایانه به وجود آمده‌اند و با پیشرفت رایانه تحول پیدا کرده‌اند که به موجب قانون؛ رایانه به‌عنوان موضوع و یا ابزار جرم و جزئی از اجزای تشکیل‌دهنده عنصر مادی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. (میرمرادی، ۱۳۹۹: ۲۶) به نظر می‌رسد با توجه به ویژگی‌های قلدری مجازی می‌توان آن را در زمره جرایم مدرن قرار داد؛ زیرا این ویژگی‌ها مختص به این پدیده بوده و در جرایم سنتی مشاهده نمی‌شود.

۳-۱. تکرار رفتار مجرمانه

اگرچه در اکثر قریب به‌اتفاق تحقیقات، تداوم و استمرار رفتار خشونت‌آمیز به‌عنوان یکی از اوضاع‌واحوال مربوط به قلدری دانسته شده است که به برخی از آن‌ها نیز در این تحقیق اشاره شد، لکن در صورت مفروض دانستن موضوع تکرار به‌عنوان یکی از شرایط و اوضاع احوال قطعی برای قلدری باید آن را از جرایم به عادت دانست؛ چراکه اگر عمل شخص جنبه سودجویی و حرفه‌ای نداشته باشد دیگر عمل ارتكابی جرم به عادت نیست. (شامبیاتی، ۱۳۹۵: ۱۱۶) درحالی‌که قلدری از جرایم به عادت نیست؛ زیرا در بسیاری از مصادیق قلدری موضوع امرار معاش مطرح نیست. البته شاید در اینجا این موضوع مطرح گردد که برخی از مرتکبان قلدری به‌وسیله آن به تهدید جهت اخاذی پرداخته و در بسیاری از موارد نیز این رفتارهای قلدرا‌مآبانه آن‌ها منجر به اخاذی از بزه‌دیده می‌گردد، آیا در خصوص این مصادیق می‌توان قلدری را جرم به عادت دانست و در این فرض شرط تکرار را یکی از اوضاع‌واحوال حاکم بر آن در نظر گرفت؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال مثبت



است و اگرچه در غالب موارد قلدري حتى بدون شرط تکرار هم قابل وقوع می‌باشد اما این امر نافی آنکه بسیاری از قلدران، از این طریق به امرار معاش می‌پردازند نیست و شاید به همین دلیل باشد که شرط تکرار در تعریف قلدري بسیار بحث‌برانگیز بوده و درحالی‌که عده‌ای به وجود آن اذعان دارند، عده دیگر آن را انکار می‌کنند؛ بنابراین وجود عنصر تکرار در قلدري نسبی بوده و بستگی به اوضاع و احوال مربوط به هر پرونده دارد که می‌بایست به صورت جداگانه بررسی و تحلیل شود.

۲-۳. عدم تعادل قدرت فی مابین بزه‌دیده و مرتکب

عدم تعادل قدرت بدین معنی است که قدرت مرتکب در گروه، از لحاظ جسمی و اجتماعی از سایرین بیشتر است و درواقع این فرد قدرتمند یک نوع زورگویی را به طرف مقابل تحمیل می‌کند. (Tessa M. L. Kaufman, Gijs Huitsing:2020,) (377) با توجه به اینکه این عدم تعادل قدرت یکی از شرایط و اوضاع و احوال قلدري است. باید به این سؤال پاسخ داد که معیار تشخیص آن نوعی است یا شخصی؟ برای مثال اگر فردی قلدري کند و به‌طور عمدی، پرخاش‌گرایانه و قصد آسیب زدن مکرر به فردی که رزمی‌کار است را داشته باشد درحالی‌که خودش از لحاظ جسمی ضعیف است و اصولاً از نظر بدنی با طرف مقابل خود قابل مقایسه نیست؛ آیا می‌توان گفت که فرد قلدر در این‌جا دارای قدرت بیشتری است؟ مسلماً در این خصوص باید از معیار نوعی بهره جست و فردی را که ضعیف‌تر است قلدر ندانست.

۳-۳. ناشناختگی

بدین معناست که مرتکب می‌تواند هویت خود را مخفی نگه دارد. (Jun F.chisholm, 2014: 8) لکن برخی معتقدند که در سایبربولینگ قربانی هویت مرتکب را نمی‌داند (Annalaura Nocentini et al, 2010: 131). شاید این سؤال به ذهن متبادر گردد که آیا در صورت شناخت بزه‌کار و بزه‌دیده از یکدیگر، سایبربولینگ محقق می‌گردد یا خیر؟ پاسخ مثبت است؛ اما در اکثر موارد این ویژگی یکی از ویژگی‌های بارز سایبربولینگ است که هویت بزه‌کار برای بزه‌دیده مخفی می‌ماند.



پرسش دیگری که در خصوص ناشناختگی در سایبربولینگ مطرح می‌گردد آن است که اصولاً ضرورت وجود این قید در تعریف این پدیده چیست؟ این ضرورت زمانی آشکار می‌شود که مرتکب می‌تواند به دلیل امکان مخفی نگه‌داشتن هویت، آسیب‌ها و بار روانی بیشتری را بر بزه‌دیده تحمیل نماید. (Jun F. chisholm, 2014: 82) ناشناس ماندن در اینترنت برای مجرمان فضای مجازی فرصت‌های جدیدی را فراهم می‌کند. گمنامی و بی‌چهرگی اشخاص در اینترنت نه تنها پیگرد قانونی علیه جرم و مجرمان را در فضای مجازی با مشکل مواجه می‌کند بلکه زمینه گسترش آن را نیز فراهم می‌آورد. (مرادی و قدسی؛ ۱۳۹۹:۲۳)

۴. محدودیت راهکارهای مدنی در مبارزه با قلدری مجازی

راهکارهای مدنی برای مبارزه با قلدری مجازی در هر دو کشور ایران و آمریکا با شکست مواجه شده‌اند؛ زیرا در رویکرد عدم جرم‌انگاری قلدری مجازی؛ راهکارهایی همچون اعمال عدالت ترمیمی و دعوی شبه جرم مطرح هستند که عدم کارایی آن‌ها به تفصیل در این تحقیق بیان خواهد شد.

۴-۱. عدالت ترمیمی جایگزینی برای جرم‌انگاری قلدری مجازی

شیوه‌های ترمیمی ممکن است راه‌حلی برای مسئله قلدری مجازی نباشد و صرفاً می‌توان به‌عنوان شیوه‌ای عملی در سیاست‌گذاری‌های تقنینی از آن‌ها بهره جست. (Susan Hanley Duncan, 2016:28) بیش‌ترین مباحثی که در حال حاضر در ایالات متحده آمریکا وجود دارد حول محور تمایل به جرم‌انگاری قلدری مجازی است. (Susan Hanley Duncan, 2017, 12-13) طرفداران عدالت ترمیمی معتقدند که با اعمال مجازات نمی‌توان عدالت واقعی را محقق ساخت و عدالت زمانی اجرا می‌شود که در جهت اصلاح آسیب‌های ناشی از بزه و جبران التیام این آسیب‌ها اقدامی صورت گیرد و نیازهای مادی و معنوی بزه‌دیده شناسایی و در جهت رفع این



آن‌ها تلاش گردد. لذا فرآیندهای اجباری و یک‌جانبه عدالت سزادهنده می‌بایست به فرآیندی داوطلبانه، توافقی و در جهت آشتی و سازش تغییر یابد. (شیری، ۱۳۸۵، ۲۴۰) این در حالی است که از سوی دیگر منتقدان عدالت ترمیمی ایراداتی همچون عدم تناسب میان جرم و واکنش اتخاذی، فقدان بازدارندگی تدابیر ترمیمی، استفاده از بزه‌دیدگان به نفع بزه‌کاران، عدم توازن قوا در عدالت ترمیمی و منتج به نتیجه شدن عدالت ترمیمی صرفاً در خصوص جرایم کم‌اهمیت را در خصوص عدم کارایی عدالت ترمیمی صرف مطرح کرده‌اند. (نوربخش و والی زاده، ۱۳۹۶: ۶) اگرچه در فرآیند عدالت ترمیمی بر حقوق انسانی تمام سهام‌داران جرم تأکید می‌شود اما وارد و لانگلد (۲۰۰۸) بر این باورند که هرچند در فرآیند عدالت ترمیمی از حقوق خاص بزه‌کاران محافظت می‌شود، اما از طرف دیگر باعث آسیب رساندن به سایر حقوق این افراد می‌گردد چرا که به دلیل حضور سایر سهام‌داران جرم در جلسات، توجهی به حضور بزه‌کار، توانایی‌ها و قابلیت‌های او نمی‌شود. همچنین تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد که بررسی عدالت ترمیمی صرفاً بر اساس یک نوع بینش اعم از حقوقی یا جامعه‌شناختی صائب نمی‌باشد؛ چرا که در بررسی پدیده‌های اجتماعی از جمله مقوله جرم، نمی‌توان یک‌جانبه و تکرشته‌ای عمل کرد. (محمدپور و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۵) با توجه به ایرادات فوق‌الذکر، به نظر نگارنده می‌توان به این نتیجه رسید که عدالت ترمیمی نمی‌تواند هیچ‌گاه به تنهایی در سایبربولینگ راهگشا باشد. بلکه جرم‌انگاری قلدری مجازی و توجه قانون‌گذار به شناخت آسیب‌های آن جنبه بازدارندگی بیشتری خواهد داشت؛ بنابراین به‌کارگیری توأمان راهکارهای عدالت ترمیمی و عدالت سزاگرا بهترین تأثیر را در جبران خسارت بزه‌دیده و متنبه شدن بزه‌کار خواهد داشت و با مذاقه در روش‌های ترمیمی می‌توان این دیدگاه را پذیرفت که روش‌های عدالت ترمیمی به‌عنوان مکملی در کنار جرم‌انگاری می‌تواند در کاهش قلدری مجازی مؤثر واقع شود لکن نمی‌توان رضایت صرف برخی از بزه‌دیدگان برای بیان احساساتشان به مرتکب را عاملی برای منتفی دانستن جرم‌انگاری قلدری مجازی دانست.



۴-۲. دعوی شبه جرم و قلداری مجازی

یکی از چالش‌هایی که در خصوص جرم‌انگاری قلداری مجازی وجود دارد، امکان طرح دعوی شبه جرم در مورد آن و اعمال دعوی مسئولیت مدنی صرف در این زمینه در برخی از کشورهای دارای سیستم کامن‌لا است. مطابق دعوی شبه جرم، هرکسی که به طور عمدی صدمه‌ای را به دیگری وارد آورد مسئول خواهد بود. البته دعوی شبه جرم صرفاً در برخی از ایالات آمریکا مورد پذیرش واقع شده است. بسیاری از حوزه‌های قضایی نیز آن را به رسمیت نشناختند و مابقی نیز صرفاً در زمانی که سبب دیگری برای اقامه دعوی وجود نداشته باشد به دعوی شبه جرم استناد می‌کنند. (Denis Binder, 2016: 368-369) یکی از موانعی که برای خواهان جهت پیروزی او در دعوی افترا و بدگویی مطرح می‌باشد آن است که او باید جعلی بودن عبارات را به اثبات برساند. همچنین محتوای سایبربولینگ باید اغلب شامل سرزنش‌ها، تحقیر یا تلویحاً جنسی باشد و به شهرت فرد صدمه وارد آورد که در بسیاری از پرونده‌های سایبربولینگ، اثبات صدمه به شهرت و اعتبار فرد امری دشوار است. در کنار چالش‌های علی‌قانون مسئولیت مدنی، این قانون در جبران خسارت مدنی فردی و نیز در ارائه یک راهکار جامع برای حل معضل سایبربولینگ موفق نبوده است. در خصوص دعاوی قضایی خصوصی که در زمینه سایبربولینگ مطرح می‌شود نیز به دلیل وجود هزینه‌های گزاف، عدم توفیق بزه‌دیدگان در تعقیب مجرم محتمل است. (Alison V King, 2010: 852-853)

در قانون مدنی ایران مبنای مسئولیت مدنی صرفاً انتساب اضرار به فاعل فعل ضرری است اعم از آنکه ناشی از عمد یا بی‌احتیاطی باشد یا نباشد؛ بنابراین طبق نظریه انتساب ضرر به محض اینکه شخص عملی را انجام داد که عملاً نسبت اضرار به او ممکن‌الانتساب باشد شخص مذکور مسئول خواهد بود. همچنین باید اذعان داشت اگر در برخی مواد راجع به تسبیب از تقصیر سخن به میان آمده است این امر



از باب احراز رابطه سببیت است نه از باب اینکه در تسبیب، تقصیر مبنا و رکن مسئولیت باشد، چه بسا برای احراز رابطه سببیت یا استناد عرفی ضرر به خواننده دعوی، تقصیر او را ملحوظ می‌دارند؛ بنابراین در تسبیب نیز عنصر تقصیر نقشی ندارد بلکه آنچه شرط است اثبات رابطه سببیت عرفی بین مسبب و ضرر وارده است. لذا ماده ۳۳۱ قانون مدنی که در مقام بیان مسئولیت ناشی از تسبیب است زکری از تقصیر به میان نیاورده است و در مواد ۳۳۳ لغایت ۳۳۵ قانون مذکور نیز واژه تقصیر، صرفاً از جهت احراز رابطه سببیت است نه اینکه تقصیر مبنای مسئولیت باشد. (حیدری و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۷۷ تا ۲۸۸)

با عنایت به مطالب پیش‌گفته و نظر به اینکه مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران صرفاً انتساب ضرر به فاعل آن است و بزه‌دیده جرم سایبربولینگ برای نائل آمدن به حقوق حقه خود نیاز به اثبات ورود ضرر دارد و این امر موجب اطاله دادرسی شده و گاهی حتی اثبات ضرر برای بزه‌دیده امکان‌پذیر نیست، لذا می‌توان نتیجه گرفت که دعوی مسئولیت مدنی نمی‌تواند پاسخگوی بزه‌دیدگان سایبربولینگ باشد. همچنین سایبربولینگ از جرایم عمدی است، لکن مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران اعم از عمد و غیرعمد است؛ بنابراین طرح دعوی مسئولیت مدنی در حقوق ایران با جرم‌انگاری سایبربولینگ در تعارض نخواهد بود.

قانون مسئولیت مدنی کلاسیک در کامن‌لا یک علت برای قربانیان سایبربولینگ را افترا و بدنامی بیان می‌کند. بهترین تعریف که می‌تواند از نظر منطقی برای سایبربولینگ مناسب باشد، افترای مادی است زیرا با ساختن عبارات جعلی به شهرت فرد صدمه وارد می‌آورد. یک مانع بزرگ برای موفقیت خواهان در ادعای افترا و بدگویی آن است که او باید ثابت کند که آن عبارات جعلی هستند. همچنین محتوای سایبربولینگ باید اغلب شامل ایده‌ها، سرزنش‌ها یا تلویحاً جنسی باشد و به شهرت فرد صدمه وارد آورد؛ بنابراین در بسیاری از پرونده‌های سایبربولینگ، اثبات صدمه به شهرت فرد مشکل‌ساز است. در کنار این چالش‌های علی‌القانون مسئولیت مدنی،



باید اذعان داشت که این قانون در جبران خسارت مدنی فردی و نیز در ارائه یک راهکار جامع برای حل معضل سایبربولینگ موفق نبوده است. در دعاوی قضایی شخصی نیز سایبربولینگ به دلیل هزینه‌های بسیار زیاد دادرسی در این پرونده‌ها، این امکان وجود دارد که بسیاری از قربانیان امکان تعقیب مجرم را پیدا نکنند؛ بنابراین در دعوی افترا و بدنامی امکان شکست قربانی در دعوا وجود دارد. ایالت ارگان، کالیفرنیا، پنسیلوانیا، واشنگتن ایالات دارای قوانین خاص در زمینه سایبربولینگ می‌باشند. لکن این قوانین به دلیل آنکه برای قلداری‌های خارج از مدرسه راهکاری نداشتند مورد انتقاد قرار گرفتند. طبق نظر جان هوارد⁷ بسیاری از این قوانین در نتیجه هیستریک شدن بعد از مرگ مگان مییر به وجود آمد و ملاحظات آن در خصوص آزادی بیان نادیده انگاشته شد؛ بنابراین قوانین سایبربولینگ تهدیدی جدی برای حقوق آزادی بیان است. (Fawzia Cassim, 2013:8-12) همچنین باید گفت دعوی شبه جرم در کامن‌لا قدیم و در زمانی مطرح گردیده بود که اقامه دعوی بسیار دشوار بوده و در صورت فقدان صرفاً یکی از اسناد دعوی، منجر به عدم امکان اقامه دعوی می‌گردید و درجه اهمیت دعوا چندان مهم نبود. لذا در چنان شرایطی دعوی شبه جرم می‌توانست راهگشا باشد (Denis Binder, 2016: 367) لکن امروزه حقوق کیفری می‌تواند با جرم‌انگاری قلداری مجازی در سیستم عدالت کیفری، ضمانت‌اجرایی در خور جهت کنترل آن به وجود آورد. بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود نظر به اینکه راهکارهای مدنی نمی‌توانند شیوه‌های مقابله‌ای مناسبی را در خصوص معضل قلداری مجازی ارائه نمایند. لذا در این راستا بررسی قلداری مجازی و تطابق آن با عناوین و جرایم قابل انطباق در حقوق کیفری ایران و آمریکا جهت امکان‌سنجی اعمال این قوانین در پرونده‌های قلداری مجازی ضروری است.

⁷ Gohn Hayward



۵. عناوین مجرمانه قابل انطباق با قلدري مجازی در حقوق کیفری

آمریکا

به منظور بررسی ضرورت جرم‌انگاری قلدري مجازی در ایالات متحده در ابتدا می‌بایست به تحقیق در حقوق کیفری و قوانین موجود و مرتبط با این موضوع پرداخت. لذا در این راستا عناوین مجرمانه قابل انطباق مورد بررسی و تدقیق واقع شده است.

۵-۱. هتک حیثیت

سؤالی که در این قسمت مطرح می‌باشد آن است که آیا قوانین هتک حیثیت در آمریکا قابلیت استناد در پرونده‌های قلدري مجازی را دارند؟ برای پاسخ به این سؤال در ابتدا باید به بیان شرایط ایجاد شبه جرم افترا پرداخت و به این سؤال پاسخ گفت که آیا قوانین مربوط به شبه جرم افترا می‌تواند به‌عنوان جایگزینی مناسب برای جرم‌انگاری قلدري مجازی در کشورهای دارای سیستم کامن‌لا از جمله ایالات متحده آمریکا باشد یا خیر؟ این قوانین در ایالات متحده آمریکا شرایطی دارند که امکان استناد در سایبربولینگ را با دشواری مواجه می‌کند.

اولین شرط در ایجاد دعوی شبه جرم افترا، وجود اظهارات افتراآمیز است. (شرقی، ۱۳۹۷: ۶۴) موضوع مورد نظر در افترا باید نادرست باشد درحالی‌که در قلدري مجازی اغلب اظهارات قلدري‌آبانه که بین نوجوانان مطرح می‌شود مانند قلدري مبتنی بر رابطه جنسی حقیقت دارد. (Ronen Perry: 2020: 1228) فارغ از اینکه افتراآمیز بودن یا نبودن واژه‌ها می‌تواند در طیف گسترده‌ای از موقعیت‌های متفاوت محل اختلاف باشد، این موضوع مطرح می‌شود که قلدري مجازی صرفاً در برخی از مصادیق آن محدود به واژه‌هاست. گستردگی و تنوع رفتارهای قلدري مجازی به‌صراحت آن را از بیان واژه‌های افتراآمیز صرف تفکیک می‌کند؛ بنابراین نخستین شرط از شرایط دعوی شبه جرم افترا صراحتاً این‌گونه دعاوی را از دعاوی قلدري مجازی متمایز می‌کند. نکته بعدی آنکه افترا در کامن‌لا به دو نوع پایدار و ناپایدار



تقسیم می‌شود لکن به جهت ویژگی دائمی بودن قلدری مجازی، بیان شق افترای ناپایدار در این خصوص فاقد هرگونه فایده عملی خواهد بود.

دومین شرط در ایجاد دعوی شبه جرم، انتشار اظهار افتراآمیز است. انتشار زمانی محقق می‌گردد که اظهارات افتراآمیز حداقل به یک نفر غیر از مخاطب بیان شده باشد. (شرقی، ۱۳۹۷: ۶۶) این شرط شامل قلدری مجازی به‌طور مستقیم نمی‌شود. چون در این قسم از قلدری، اظهارات صرفاً به خود مخاطب بیان می‌شود و آنچه گاهی در سایبربولینگ رخ می‌دهد، ارسال پیام و ایمیل شخصی به خود بزه‌دیده و یا صرفاً در گروهی کوچک در فضای مجازی است و اساساً انتشاری صورت نمی‌گیرد تا مشمول قوانین افترا باشد.

سومین شرط در ایجاد دعوی شبه جرم، اثبات ورود ضرر به قربانی و انتساب اظهارات افتراآمیز به مدعی است. خواهان باید بتواند ثابت کند که اظهارات افتراآمیز، وی را مورد خطاب قرار می‌دهند. لیکن این امر با به‌کارگیری صریح نام او ملازمه ندارد و کافی است که شخص یا اشخاصی که فرد را می‌شناسند تشخیص دهند که او مرجع الفاظ بیان شده است. (شرقی، ۱۳۹۷: ۶۷-۶۸) اما به جهت آنکه اثبات ورود این ضرر برای نوجوانان که اغلب قربانیان سایبربولینگ را تشکیل می‌دهند سخت و یا شاید گاهی غیرممکن است. امکان اعمال دعاوی شبه جرم در دعاوی قلدری مجازی منطقی نیست. (Ronen Perry, 2020: 1228)

در خصوص دعوی هتک حیثیت دادگاه عالی در ایالات متحده آمریکا بر دو عامل عمومی بودن و خصوصی بودن شخصیت بزه‌دیده متمرکز شد که با توجه به آن می‌توان ۴ دسته دعوی را در این زمینه از یکدیگر تفکیک کرد:

- ۱- دعوی شخصیت عمومی مرتبط با عموم ۲- دعوی شخصیت عمومی مرتبط با اشخاص خصوصی ۳- دعوی شخصیت خصوصی مرتبط با عموم ۴- دعوی شخصیت خصوصی مرتبط با شخصیت خصوصی



در دعاوی دسته اول و دوم، خواهان باید سوءنیت خواننده را اثبات نماید تا بتواند خسارات ناشی از هتک حیثیت را مطالبه نماید. در دعوی شق سوم می‌بایست اصول قانون اساسی در خصوص آزادی بیان مد نظر قرار گیرد. (Nicholas MCGURE, 2018: 69-70) تنها دعوی شق آخر نظیر دعاوی قلدری مجازی است. مضافاً آنکه دعاوی دسته اول و دوم به جهت آنکه اثبات سوءنیت خواننده امری دشوار است، عملاً کمکی به بزه‌دیده نخواهد کرد. اگرچه جنبه‌هایی از افترا و ایجاد آسیب عمدی عاطفی می‌تواند در رفتارهای قلدری مجازی نیز یافت شود اما این شباهت‌ها لزوماً موجب انطباق این دو با یکدیگر نخواهد شد؛ زیرا قلدری مجازی پدیده‌ای نسبتاً جدید است که هر تلاشی برای تشبیه آن به جرایم عرفی دارای قدمت چند صدساله در کامن‌لا، به تحلیل دقیق در این خصوص نیازمند بوده و پیچیدگی‌های خاص خود را خواهد داشت. آنچه اعمال قوانین هتک حیثیت را در پرونده‌های قلدری مجازی با مشکل مواجه می‌کند، اثبات سوءنیت واقعی^۸ مرتکب است. این سوءنیت واقعی حتی در دعوی شق چهارم یعنی در پرونده‌هایی که خواهان شخص خصوصی و دعوی نیز مرتبط با شخص خصوصی است نیز می‌بایست وجود داشته باشد؛ بنابراین همان‌گونه که مشاهده می‌شود، یکی از دلایلی که قوانین هتک حیثیت نمی‌تواند شدت واقعی قلدری مجازی را نشان دهد آن است که صرفاً قانونی برای قلدری مجازی مناسب است که آسیب‌های وارده به بزه‌دیده را مورد توجه قرار دهد که این امر در قوانین هتک حیثیت کامن‌لایی مشاهده نمی‌شود و نهایتاً آن‌که جبران خسارات مالی که تنها شیوه جبران خسارت در دعاوی شبه جرم هتک حیثیت می‌باشد نیز به جهت آنکه اغلب مرتکبان و بزه‌دیدگان قلدری مجازی زیر سن قانونی قرار دارند، شیوه‌ای مؤثر نخواهد بود و خسارات تنبیهی مالی به طور کلی امکان مجازات قلدران مجازی را ندارند. (Nicholas MCGURE, 2018: 72-73)

۲-۵. اخاذی و قوانین مرتبط با آن

⁸ Actual Malice



قوانین اخاذی در حال حاضر برای مجازات کسانی وضع شده‌اند که تهدیدی برای اموال دیگران می‌باشند و به طور کلی برای حمایت از تهدیدهایی که سرمایه‌های فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند جرم‌انگاری شده‌اند. برای مثال قانون فدرال^۹؛ ارتباطات بین ایالتی را که مشمول تهدیدها یا آدم‌ربایی فردی و ... به‌منظور صدمه به شخص یا آسیب به اموال یا آبرو یا شهرت او باشد را ممنوع می‌کند.

اخاذی در قوانین ایالات متحده به دو شکل اخاذی به‌وسیله تهدید یا ترس^{۱۰} که می‌تواند به هرگونه استفاده غیرقانونی از تهدید یا ترس برای به دست آوردن دارایی یا مزایایی از دیگران اشاره داشته باشد.

و اخاذی در محل کار^{۱۱} که در خصوص فساد مأموران دولتی است به منصفه ظهور می‌رسد. (James Lindgren, 1992: 1695-1696)

اولین تعریف اخاذی در قانون جزای نمونه^{۱۲} و به شرح ذیل بوده است:

«ایجاد صدمه بدنی به هر فرد یا ارتکاب جرم کیفری دیگر»

از آنجایی که اخاذی اشکال گوناگونی دارد، بسیاری از حوزه‌های قضایی قوانین موسعی را برای جلوگیری از تهدیدهای غیرقانونی وضع کردند. در سطح ایالتی نیز قانون کالیفرنیا؛ اخاذی را به‌طور مشابه تعریف می‌کند. (-Stephen E. Sachst:525) (253)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

⁹ 18 U.S.C. § 875(b), (d) (2000)

¹⁰ Coercive Extortion

¹¹ Bribery Extortion

¹² MODEL PENAL CODE § 223.4(1) (1980).



۵-۲-۱. قوانین مرتبط با اخاذی

۵-۲-۱-۱. قانون هابز^{۱۳} در سال ۱۹۴۱

این قانون در خصوص کالاهای تجاری است و مطابق آن مرتکبی که به وسیله سرقت؛ اخاذی و یا شروع به آن‌ها مانع تجارت یا باعث تأخیر آن می‌شود و یا اشخاصی را که به سرمایه‌گذاری در خصوص کالاهای تجاری می‌پردازند به خشونت فیزیکی تهدید می‌کند؛ مجازات خواهد کرد.

۵-۲-۱-۲. قانون سوء استفاده و کلاهبرداری کامپیوتری^{۱۴}

این قانون که در سال ۱۹۸۶ مصوب گردید در بخش‌هایی مرتبط با اخاذی می‌باشد:

الف) دسترسی غیرمجاز به اطلاعات سیستم با قصد کلاهبرداری اغلب به‌عنوان یک عنصر برای شروع اخاذی سایبری است.

ب) با دسترسی به اطلاعات یک تجارت یا هر امر مهم دیگری؛ فرد اخاذ به‌طور مؤثری چیزی را که برای فرد دیگر با ارزش است به دست می‌آورد.

ج) دسترسی عمدی به کامپیوتر حفاظت‌شده از طریق ارتباطات خارجی یا بین ایالتی برای به دست آوردن اهداف مالی یا ارتکاب یک عمل کیفری از عناصر عادی اخاذی سایبری است.

التهیه آنکه، اخاذی کامپیوتری اغلب با تهدید برای صدمه زدن به برخی قسمت‌ها از سیستم دسترسی اطلاعات در کامپیوتر است که تمامی موارد فوق در قانون سوءاستفاده و کلاهبرداری کامپیوتری جرم‌انگاری شده‌اند (Eoghan Casey: 94)

در تطبیق قلدری مجازی با اخاذی باید گفت رفتار فیزیکی این جرم به‌صورت فعل است چرا که قانون هابز به دست آوردن دارایی دیگری را صراحتاً به‌صورت فعل مثبت بیان کرده است. اوضاع و احوال مقرر در این ماده، استفاده از اجبار و تهدید

¹³ The Hobbs Act

¹⁴ Computer Fraud and Abuse Act



واقعی او می‌باشد تا جرم اخاذی مطابق قانون ایالات متحده در سطح فدرال به وجود بیاید. به دست آوردن مال یا مزایای دیگری شرط وقوع جرم است و با دقت نظر در این شرط می‌توان به این نکته پی برد که جرم اخاذی در ایالات متحده از جمله جرایم مقید می‌باشد. مرتکب می‌بایست قصد عمدی تهدید یا ترس برای به دست آوردن دارایی یا مزایای دیگران را داشته باشد. بدیهی است تهدید در صورتی عنوان اخاذی به خود می‌گیرد که توأم با رکن اخذ مال یا سند مالی و مسائلی از این دست باشد و فرد اخاذ نیز عملی نکردن تهدید را منوط به گرفتن آن مال یا امتیاز مالی نماید.

۵-۳. اذیت و آزار آنلاین (سایبراستاکینگ)

در ایالات متحده آمریکا به دلیل فقدان قانون قلدری مجازی در سطح فدرال، به قوانین آزار و اذیت اینترنتی در خصوص پرونده‌های قلدری مجازی استناد می‌شود که عموماً قانون ۱۸ از ماده (۲) A ۲۲۶۱ است. (Alison V. King, 2010: 855) اما این قوانین نمی‌توانند پاسخ‌گوی دامنه وسیع رفتارهای ناشی از سایبربولینگ باشد؛ زیرا قوانین آزار و اذیت اینترنتی صرفاً اذیت و آزار تکرارشونده و با قصدی را در نظر می‌گیرند که در آن بزه‌دیده به‌طور مکرر در فضای مجازی مورد تعقیب قرار می‌گیرد و گاهی این تعقیب در فضای واقعی نیز رخ می‌دهد. (Saeed Rezayi, Vimala Balakrishnsn, Samira Arabnia, Hamid R. Arabnia, 2018: 4) در واقع در اذیت و آزار مجازی مرتکب از اینترنت یا وسایل ارتباط الکترونیکی دیگر برای تعقیب قربانی در این فضا بهره می‌گیرد که عموماً به الگوهای تهدیدکننده و رفتارهای دارای سوءنیت اشاره دارد. (Jennifer Urban, 2013: 7) ولی سایبربولینگ علاوه بر اذیت و آزار، انواع گوناگون دیگری نیز دارد که می‌توان به این موارد اشاره کرد: ارسال پیام‌های خشونت‌آمیز و تهدیدکننده به قربانی^{۱۵}، جعل هویت

¹⁵ Shaming or bashing



و تغییر قیافه دادن^{۱۶}، فریب قربانی^{۱۷}، تهدید در فضای مجازی^{۱۸}، بدنامی^{۱۹}، انتشار پیام‌های خصوصی و شخصی قربانی، ایجاد اعتماد اولیه برای قربانی و سپس سوءاستفاده از عکس‌ها و فیلم‌های جنسی و غیرجنسی قربانی^{۲۰}، ارسال پیام‌های تحقیرکننده و تبعیض‌آمیز در مورد نژادپرستی^{۲۱} که همین انواع متعدد رفتارها سایبربولینگ را از اذیت و آزار اینترنتی^{۲۲} متمایز می‌کند.

۴-۵. تهدید

ماده دیگری که در پرونده‌های قلدری مجازی در ایالات متحده آمریکا به آن استناد می‌شود، ماده (C) ۸۷۵ U.S.C در خصوص تهدیدهای آنلاین است که مقرر می‌دارد: «هرکس در روابط بین ایالتی یا خارجی هرگونه ارتباطی را داشته باشد که منجر به تهدید به آدم‌ربایی فرد یا افرادی دیگر گردد، با توجه به این ماده جرمه خواهد شد یا به حبس کمتر از ۵ سال یا هر دو محکوم می‌شود.» در پرونده ایالات متحده علیه آبراهام جاکوب الخباز^{۲۳} دادگاه تلاش کرد تا قصد کنگره را در ارتباط با تهدید آنلاین با توجه به ماده مذکور تفسیر نماید که به شرح ذیل می‌باشد:

برای به وجود آمدن ارتباطی که مشمول تهدید مقرر در ماده (C) ۸۷۵ قرار گیرد این ارتباط باید به‌گونه‌ای باشد که یک فرد متعارف:

- (۱) با به‌کارگیری یک عبارت قصد جدی برای صدمه بدنی شدید بر شخص دیگر را داشته باشد. (رکن روانی)
- (۲) درک عباراتی که با قصد جدی صدمه به دیگری به کار می‌رود و تأثیری که ارباب بر روی بزه‌دیده دارد. (رکن مادی) همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد علی‌رغم

¹⁶ Masquerade or Impersanation

¹⁷ Trickery

¹⁸ Threatening

¹⁹ Denigration

²⁰ Pull a pig

²¹ Racism

²² Syberstalking

²³ Abraham Jacob Alkhabaz



اینکه دادگاه در حکم خود صراحتاً بحثی از سایبربولینگ ندارد اما تفسیر این حکم می‌تواند امکانی را فراهم نماید تا مرتکبان سایبربولینگ با توجه به این ماده مورد تعقیب کیفری قرار گیرند. (Jennifer Urban, 2013: 4-5) در ایالات متحده آمریکا ماده ۲۱۱-۳ قانون جزای نمونه نیز تهدید کیفری را به صورت عام بیان نموده است. این ماده قانونی مقرر می‌دارد «هرکس با هدف ارباب دیگری یا با هدف تخلیه ساختمان؛ مکان تجمع افراد و وسیله حمل‌ونقل عمومی یا به هر نحو دیگری، تهدید به ارتکاب هرگونه جرم خشونت‌آمیز نماید که موجب مزاحمت عمومی شدیدی گردد یا به واسطه بی‌اعتنایی شدید نسبت به خطر موجب چنین رعب و مزاحمتی گردد به جنایت درجه ۳ محکوم می‌شود.» (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۹) به نظر نگارنده در تحلیل دو ماده فوق مواردی به ذهن متبادر می‌گردد که حاکی از عدم کفایت قوانین تهدید در خصوص پرونده‌های قلدری مجازی در ایالات متحده آمریکا است.

در مقررده موجود در قانون جزای نمونه نیز هدف، صرفاً ارباب در نظر گرفته شده است درحالی‌که در قلدری مجازی فرد قصد صدمه زدن به بزه‌دیده را دارد و ارباب صرف مد نظر مرتکب نیست. هدف دیگر مرتکب در این ماده تخلیه ساختمان و مکان عمومی است که این امر با رکن معنوی موجود در سایبربولینگ هیچ‌گونه سنخیتی نداشته و اساساً خروج موضوعی دارد. مسئله بعدی آنکه جرم معنونه در این ماده از جرایم مقید به نتیجه است؛ زیرا ماده مقرر داشته جرم خشونت‌آمیز بودن می‌بایست منجر به مزاحمت عمومی گردد یا به واسطه بی‌اعتنایی شدید نسبت به خطر موجب چنین رعب و مزاحمتی یعنی مزاحمت عمومی شدید گردد. این در حالی است که بسیاری از مصادیق مجرمانه قلدری مجازی از حیث نتیجه جز جرایم مطلق می‌باشند و هرچند وجود سوءنیت خاص در آن‌ها ضروری است لکن اثبات آن توسط بزه‌دیده لازم نیست.

همچنین باید به این نکته نیز اشاره کرد که قلدری مجازی در بسیاری از مواقع



بزه‌دیده خاص دارد و مزاحمت شدید در سطح عمومی در آن مطرح نیست. ماده‌ی ۲۱۳،۳ قانون جزای نمونه به جهت هشدار برای ایمنی شخصی و جلوگیری از آسیب عمومی جرم‌انگاری شده است و نشان از این امر دارد که قانون‌گذار قصد داشت با جرم‌انگاری تهدید، ایجاد آسیب‌های عاطفی و احساسی تحت شمول این قانون قرار گیرند. به نظر می‌رسد دادگاه عالی در پرونده ویرجینیا علیه بلک^{۲۴} این تفسیر از جرایم تهدید‌آمیز را پذیرفته باشد. در این پرونده دادگاه بیان کرد لازم نیست گوینده واقعاً قصد انجام تهدید را داشته باشد بلکه ممنوعیت تهدیدها به جهت ترس از خشونت و اختلالاتی است که این ترس ایجاد می‌کند تا متعاقباً مردم از خشونت‌های احتمالی که در آینده به وجود می‌آید در امان باشند. (Susan W Brenner, Megan, Rehberg, 2009: 65) در اینجا اولین تفاوت تهدید و قلدری مجازی روشن می‌شود. در تهدید همان‌گونه که دادگاه عالی ایالات متحده ذکر کرد لازم نیست گوینده واقعاً قصد انجام آن تهدید را داشته باشد اما در قلدری مجازی قصد واقعی مرتکب برای قلدری از طریق تهدید و ورود ضرر و آسیب به بزه‌دیده ضروری است. در واقع عنصر عمد از مهم‌ترین عوامل مندرج در رکن معنوی قلدری مجازی است و تهدید واقعی مستلزم آن است که گوینده قصد بی‌چون‌وچرا و بی‌قیدوشرط خود را برای ورود آسیب به منصفه ظهور برساند. در مورد جرم تهدید بسیاری از ایالات در آمریکا، تهدیدهای تروریستی (تهدید به آسیب بدنی شدید یا مرگ) را جرم‌انگاری نموده‌اند که از لحاظ ماهیت با تهدیدهایی که روش اعمال قلدری در فضای مجازی قرار گرفته و باعث ایجاد آسیب شدید عاطفی در بزه‌دیده می‌شوند متفاوت است. در خصوص تهدیدهایی که به منظور جلوگیری از عملیات تروریستی جرم‌انگاری شده‌اند، قانون تهدید ایالت کانتیکت^{۲۵} مثال مناسبی است زیرا در این ایالت، تهدید جسمی عمدی یا تهدید به آسیب جسمی شدید و قریب‌الوقوع جرم‌انگاری شده است.

²⁴ Virhinia V Black

²⁵ Connecticut



قانون تهدید ایالت پنسیلوانیا^{۲۶} نیز مشابه قانون مذکور است. ایالت آرکانزاس^{۲۷} نیز تهدیدهای تروریستی را محدود به تهدید جسمی به دانش‌آموزان و معلمان نموده است. (Susan W Brenner, Megan Rehberg, 2009: 63) بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود قوانین تهدید در ایالات مذکور صرفاً تهدید به آسیب بدنی را مد نظر داشته‌اند و به ایجاد آسیب عمدی عاطفی که اغلب در قربانیان قلدری مجازی وجود دارد اشاره نکرده‌اند. قانون تهدید در سطح فدرال نیز جرمی در زمینه تهدید عمومی بوده و دایره شمول آن نیز چندان گسترده نیست. در خصوص تحلیل و بررسی امکان اعمال یا عدم اعمال قوانین تهدید در پرونده‌های قلدری مجازی، تفکیک آن به دو نوع مستقیم و غیرمستقیم ضروری است. در قلدری مجازی به‌طور مستقیم امکان اعمال قوانین تهدید بیشتر است؛ زیرا در جرم تهدید، تهدیدها می‌بایست صرفاً خود بزه‌دیده را هدف قرار دهند و در قلدری مجازی به‌طور مستقیم نیز فارغ از وجود شرایط دیگر از جمله تداوم تهدیدها، صرفاً خود بزه‌دیده تهدیدها را دریافت می‌کند؛ اما در قلدری مجازی به‌طور غیرمستقیم پیام‌ها برای بزه‌دیده ارسال نمی‌شوند بلکه در فضای مجازی و برای عموم انتشار می‌یابند.

۶- عناوین مجرمانه قابل انطباق با قلدری مجازی در حقوق کیفری

ایران

همان‌گونه که در راستای درک ضرورت جرم‌انگاری قلدری مجازی عناوین قابل انطباق با این پدیده در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا در این تحقیق بررسی شد. به جهت بررسی تطبیقی موضوع این امر در حقوق کیفری ایران نیز به شرح ذیل مورد مطالعه واقع شد.

²⁶ Pennsylvania

²⁷ Arcansas



۱-۶. تهدید

در حقوق کیفری ایران ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی به تبیین مصداق عام تهدید پرداخته است. «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او نماید اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم می‌شود.»

رفتار فیزیکی جرم موضوع این ماده، فعل مادی تهدید کردن است. قانون‌گذار موضوع تهدید را احصا نموده و شامل قتل و ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشای سر می‌داند. خواسته شخص تهدیدکننده برای تحقق یا عدم تحقق جرم تهدید موضوع ماده ۶۶۹ ق.م.ا ضرورتی ندارد، اعم از اینکه به این وسیله تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعل نموده یا ننموده باشد. جرم موضوع این ماده مطلق است و مقید به نتیجه خاصی نیست. (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۷، ۷۸-۸۰) در راستای تحلیل ماده مذکور می‌توان گفت، رفتار فیزیکی مطروحه در این ماده با رفتار فیزیکی قلدری که صرفاً حالت است متفاوت خواهد بود. این درحالی است که تهدید تنها یکی از روش‌های اعمال قلدری در فضای مجازی بوده و مسلم است که این روش‌ها به تهدید صرف محدود نمی‌شوند، بلکه آزار و اذیت مداوم و مستمر، افشا و انتشار و در دسترس قرار دادن غیرمجاز اطلاعات شخصی، فریب، تحقیر، صدمه به اعتبار و آبروی فرد، انتشار شایعات دروغین و انتشار عکس و فیلم خصوصی افراد در فضای مجازی را نیز در برمی‌گیرد.

۲-۶. هتک حیثیت

جرائم علیه حیثیت معنوی اشخاص؛ جرایمی هستند که روان افراد را مورد هدف قرار می‌دهند. این نوع جرائم در فضای مجازی نیز رخ می‌دهند. (پیرهادی، ۱۳۹۷: ۱۹) با توجه به اینکه قلدری مجازی با شهرت و اعتبار و آبروی افراد جامعه در ارتباط



است. در واقع می‌توان آن را از جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص در نظر گرفت. لذا در این راستا اولین سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود آن است که آیا ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که مقرر داشته «هرگاه امری را به کسی به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر صراحتاً نسبت دهد یا منتشر کند...» مشمول هتک حیثیت رایانه‌ای می‌شود یا خیر؟ و بر فرض شمول موضوع آیا این ماده می‌تواند مصداقی برای استناد در برخی از رفتارهای سایبربولینگ که منجر به هتک حیثیت اشخاص می‌گردد باشد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت با توجه به اینکه وسیله ارتکاب جرم در این ماده طریقت دارد بنابراین مشمول هتک حیثیت رایانه‌ای نیز می‌گردد. لکن اولین عنصر ضروری برای هتک حیثیت و ایجاد مسئولیت آن است که یک اظهار توهین‌آمیز وجود داشته باشد و اظهار صورت گرفته باید خلاف واقع باشد؛ بنابراین اگر اظهارات توهین‌آمیز مطابق با واقعیت باشد از لحاظ کیفری مسئولیتی متوجه اظهارکننده نخواهد بود مگر اینکه موجب نقض حریم خصوصی اشخاص شود. نقدی که به این ماده وارد می‌باشد آن است که قانون‌گذار دقیقاً مشخص نکرده منظور از نقض حریم خصوصی چیست و بنابراین نمی‌توان به صراحت مشخص کرد که کدامیک از مصادیق رفتارهای سایبربولینگ مشمول نقض حریم خصوصی بوده و در محدوده ماده مذکور قرار می‌گیرد. عنصر ضروری بعدی انتشار توهین‌آمیز است. در این قسمت از ماده نیز مشخص نیست صرف انتشار در فضای مجازی مد نظر است یا آنکه باید تعداد خاصی مد نظر قرار گیرد. با توجه به به‌کارگیری واژه «صراحتاً» به نظر می‌رسد این ماده قلدری مجازی غیرمستقیم را در بر نمی‌گیرد. در سایبربولینگ مستقیم نیز محتوای قلدرمآبانه برای خود بزه‌دیده ارسال می‌شود و بحث انتشار مطرح نیست اما سایبربولینگ همیشه نسبت دادن امر مجرمانه به بزه‌دیده نمی‌باشد. در واقع ممکن است مرتکب امری واقعی یا غیرواقعی را به فردی نسبت دهد یا منتشر



نماید و علیرغم اینکه امر منتسب به بزه‌دیده جرم نیست اما به جهت موقعیت اجتماعی خانوادگی و یا حتی شخصی فرد موجب هتک حیثیت و تحت تأثیر قرار گرفتن آبروی شخص باشد. برای مثال فردی که حقایقی از زندگی شخصی استاد دانشگاهی که در میان جامعه علمی از محبوبیت برخوردار است در فضای مجازی منتشر می‌کند و یا به او نسبت می‌دهد که عرفاً در جامعه پسندیده نیست و در عین حال دارای عنوان مجرمانه هم نیست اما باز هم سایبربولینگ رخ می‌دهد. برای مثال موضوع ازدواج دوم آن استاد دانشگاه علیرغم داشتن زن اول را در فضای مجازی منتشر می‌کند.

فرض دیگر آنکه اگر امری که به مخاطب نسبت داده می‌شود جرم باشد و منتشرکننده بتواند صحت آن را نیز ثابت کند این فرض مشمول ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی نخواهد بود. این در حالی است که در بسیاری از پرونده‌های سایبربولینگ موضوع انتشار اطلاعات شخصی و محرمانه اشخاص مطرح است و بحث مجرمانه بودن یا نبودن و نیز اثبات صحت آن‌ها چندان مد نظر نیست. همچنین زمانی که امر منتسب به مخاطب مستوجب حد باشد مشمول این ماده قرار نمی‌گیرد. برای مثال شخصی به منظور بدنام کردن دیگری نسبت زنا یا لواط به او می‌دهد و صحت آن را نیز به اثبات می‌رساند اما به جهت اینکه مشمول مجازات حد است و این موضوع در ماده ۶۹۷ مستثنی شده است در قلمرو موضوعی این ماده قرار نخواهد گرفت.

نکته حائز اهمیت که در تبصره این ماده به چشم می‌خورد مطالبی است که نشر آن‌ها موجب اشاعه فحشا گردد هرچند فرد بتواند صحت آن را ثابت نماید مرتکب به مجازات محکوم می‌شود. این تبصره با آنچه در سایبربولینگ رخ می‌دهد در تضاد است. بدین معنی که مرتکب سایبربولینگ به جهت آنکه اغلب ناشناس است به راحتی و بدون ترس از دستگیری اموری را که منجر به اشاعه فحشا می‌شود در فضای مجازی منتشر می‌کند اما در خصوص تشخیص این امر که چه امری اشاعه فحشا محسوب می‌گردد ضابطه‌ای عینی و نوعی در این ماده ارائه نگردیده است. لذا و به



همین منظور امکان اعمال سلیق شخصی در خصوص این تبصره وجود دارد و اصولاً زمانی امکان اشاعه فحشا وجود دارد که جرم مورد نظر مستوجب حد است این در حالی است که در خود ماده این جرایم استثنا شده‌اند و عملاً زمانی که قلدری مجازی از طریق جرایم منافی عفت به وقوع می‌پیوندد از شمول ماده خارج خواهند بود.

مواد قانونی دیگری در قانون مجازات اسلامی که می‌بایست مورد تحلیل و تطبیق با قلدری مجازی قرار گیرند مواد ۷۴۴، ۷۴۵ و ۷۴۶ هستند. ماده ۷۴۴ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر و تحریف منتشر کند به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود به حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از ۵ میلیون ریال تا ۴۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

تبصره- چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد. (رحیمی موجد، ۱۳۹۹: ۹۲)

به نظر می‌رسد هتک حیثیت مقرر در این ماده ناظر به قذف، توهین یا افترا نیست و اگر تغییر یا تحریف متضمن نوعی قذف، توهین و افترا باشد، بر اساس مواد مربوطه در قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب خواهد بود. به عبارت دیگر واژه هتک حیثیت در این ماده بیشتر ناظر به مفهوم عرفی از آبروریزی، کسر شأن و اعتبار و شکستن حرمت دیگران است. همچنین در عنصر معنوی این ماده عمد در انتشار و دانستن و آگاه بودن از این امر که فیلم یا صوت یا تصویر متعلق به دیگری است باید وجود داشته باشد؛ بنابراین در صورتی که فیلم یا عکس دیگری بدون تغییر یا تحریف منتشر گردد مشمول مفهوم هتک حیثیت مقرر در این ماده نخواهد بود. بزه مندرج در ماده ۷۴۴ ق.م.ا مرکب است به این معنی که مرتکب هم باید تغییر و تحریف را انجام



دهد و هم موارد تغییر و تحریف شده را منتشر کند؛ بنابراین اگر تغییر و تحریف را یک فرد انجام دهد و انتشار را فرد دیگری، جرم تام موضوع این ماده را مرتکب نشده‌اند. (عطارزاده و انصاری، ۱۳۹۹: ۳۱۸-۳۱۹) همچنین بزه مندرج در این ماده مقید به آن است که عرفاً منجر به هتک حیثیت شود درحالی‌که در سایبربولینگ به جهت حمایت از قربانی جرم، از جرایم مطلق در نظر گرفته شده است تا بار اثبات عرفی بودن هتک حیثیت موجب اطاله دادرسی نگردد و دشواری مضاعفی را بر عهده قربانی جرم به وجود نیاورد.

ماده ۷۴۵ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود از ۹۱ روز تا دو سال حبس یا جزای نقدی از ۵ میلیون ریال تا ۴۰ میلیون ریال یا هردو مجازات محکوم خواهد شد.» (رحیمی موحد، ۱۳۹۹، ۹۲) در این ماده نیز هتک حیثیت جرم مقید در نظر گرفته شده است و آنچه در خصوص ماده ۷۴۴ ق.م.ا گفته شد در خصوص این ماده نیز صدق می‌کند. ممکن است انتشار یا در دسترس قرار دادن فیلم یا عکس دیگری بدون رضایت او طبق شرایط زمانی و مکانی زمان انتشار فیلم و عکس و تصاویر خانوادگی و... هتک حیثیت نباشد؛ لکن به دلیل اقتضائات فضای مجازی مدت بسیار مدیدی در دسترس دیگران قرار بگیرند؛ بنابراین عنصر مادی مقرر در قلداری مجازی که در این موقعیت به وجود می‌آید با نوع کلاسیک آن از لحاظ ماهیت متفاوت بوده و جرم‌انگاری مستقلی را می‌طلبد.

۳-۶. اخازی

قانون‌گذار ایرانی جرم اخازی را به‌طور مستقل جرم‌انگاری نکرده است. (حاجی ده آبادی و اعتمادی، ۱۳۹۴: ۳۶) لکن واژه اخازی در ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ بیان شده که بدین شرح می‌باشد.



«هرکسی به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود، در صورتی‌که از مصادیق محارب نباشد به حبس از ۶ ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

همان‌طور که از ظاهر این ماده بر می‌آید عمل اخاذی بر مبنای تهدید در قالب تهاجم فیزیکی به وسیله چاقو و مواردی از این دست مد نظر قانون‌گذار قرار گرفته است. لکن عمل اخاذی صرفاً با توجه به ماده فوق به ذهن متبادر نمی‌شود بلکه با عنایت به ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از طریق تهدیدهای غیرجانی مانند افشای سر و ضررهای نفسی و شرافتی نیز می‌توان اقدام به اخاذی و تقاضای وجه یا چیزی معادل آن را نمود. (آل طاهّا و بشیری، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۲) با عنایت به ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ جرم اخاذی در حقوق ایران جرم مطلق است.

برای تحقق جرم اخاذی، وجود تهدید به عنوان رفتار فیزیکی این جرم الزامی است و این امر به طرق متفاوتی اعم از شفاهی و کتبی به وقوع می‌پیوندد. همچنین علاوه بر وجود عمل تهدید، طرح تقاضا نیز ضروری است و بر این اساس جرم اخاذی جرمی مرکب است. اوضاع و احوال مقرر در این ماده، ضررهای نفسی، شرافتی، مالی و افشاء سر را در برمی‌گیرد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۴: ۴۲-۴۳) در نظام حقوقی ایران در خصوص سوءنیت عام جرم اخاذی، انجام رفتار فیزیکی جرم توسط اخاذ یعنی تقاضای توأم با تهدید می‌بایست به صورت عامدانه انجام شود و به وصف عمل ارتكابی از سوی خود نیز آگاه باشد و با توجه به پذیرش این دیدگاه که مطلق بودن جرم لزوماً به معنای منتفی بودن سوءنیت خاص نیست، می‌توان گفت که سوءنیت خاص این جرم آن است که فرد اخاذ از انجام عامدانه عمل خود قصد رسیدن به تقاضایش را داشته باشد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۴: ۴۵)



لذا با توجه به مقایسه تطبیقی فوق می‌توان به این نتیجه رسید که قلدري مجازی اساساً دارای تفاوت ماهیتی با جرم اخاذی در هر دو کشور می‌باشد. اولاً آن‌که آسیب وارده به بزه‌دیده از طریق اخاذی جنبه مالی دارد؛ این در حالی است که آسیب‌های مربوط به قلدري مجازی در غالب موارد صدمات حیثیتی و فشارهای روحی روانی است.

ثانیاً اخاذی در آمریکا به‌عنوان جرمی مقید در نظر گرفته شده است درحالی‌که قلدري مجازی جرمی مطلق است لذا روش اخاذی برای مرتکبان نمی‌تواند روش مناسبی برای اعمال قلدري در آمریکا باشد درحالی‌که اخاذی در حقوق ایران به دلیل مطلق بودن، قابلیت بیشتری برای استفاده از این روش برای مرتکبان سایبربولینگ وجود دارد.

علی‌ای‌حال آنچه در تطابق رفتارهای قلدري مجازی با اخاذی به ذهن متبادر می‌شود آن است که گرچه قلدران مجازی ممکن است از روش اخاذی برای اعمال حالت‌های قلدري‌آبانه خود بهره بگیرند اما به جهت آن‌که به‌کارگیری این روش صرفاً برای مقاصد مالی می‌باشد، شاید بتوان گفت این روش قلدري مجازی بیشتر به کلاهبرداری رایانه‌ای شباهت دارد؛ بنابراین تنها ممیزه قلدري مجازی از کلاهبرداری رایانه‌ای اعمال مانور متقلبانه است که عمدتاً در قلدري مجازی وجود ندارد.

۴-۶. اذیت و آزار

در زمینه رفتار اذیت و آزار سنتی در حقوق کیفری ایران مواد ۶۵۲، ۵۷۸ و ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی مطرح است؛ لکن در خصوص سایبراستاکینگ (اذیت و آزار آنلاین) قانونی در حقوق کیفری ایران وجود ندارد. در سه ماده مذکور نیز اذیت و آزار می‌بایست بدنی باشد تا مورد حمایت کیفری قانون‌گذار قرار گیرد و اذیت و آزار روحی که اساس و شالوده قلدري مجازی را تشکیل می‌دهد در این مواد مورد توجه قرار نگرفته است. کما این‌که در فرض توجه به آسیب‌های روحی علاوه بر اذیت و آزار بدنی، دایره شمول مواد فوق صرفاً بزه‌دیدگان خاصی چون زن حامله، مأمور



قضایی دولتی و غیردولتی و فردی که مورد سرقت مقرون به آزار قرار گرفته است، می‌باشد و این موضوع را می‌توان از صراحت قانون‌گذار در درج نام این بزه‌دیدگان در نص مواد مزبور استنتاج کرد. در خصوص اذیت و آزار روحی و روانی در فضای مجازی؛ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ صرفاً آزار جنسی را مد نظر قرار داده است در حالی که اذیت و آزاری که اطفال و نوجوانان مشمول آن قرار می‌گیرند فقط شامل این نوع آزار نیست و قلدری مجازی بسیار گسترده‌تر است و پیام‌های خشونت‌آمیز و تهدیدکننده به قربانی که جنسی نباشد را نیز در بر می‌گیرد. مضافاً آن‌که قانون پیش‌گفته در خصوص اطفال و نوجوانان می‌باشد و مشمول بزرگسالان نخواهد بود درحالی‌که قلدری مجازی شامل بزرگسالان نیز هست. نکته بعدی آن است که قلدری مجازی ویژگی‌های مختص به خود را دارد که این ویژگی‌های اختصاصی در بند ۹ ماده ۱۰ قانون مذکور درج نشده است. از جمله این ویژگی‌ها تکرار رفتار خشونت‌آمیز و ناشناخته بودن مرتکب می‌باشد. اگرچه در مواد دیگر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان از آزارها و سوءاستفاده‌هایی که از اطفال و نوجوانان می‌شود سخن به میان آمده است و در آن مواد تصریحی به فضای مجازی نگردیده است.

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه شیوه‌های عدالت ترمیمی صرفاً در خصوص جرایم کم‌اهمیت کاربرد دارند؛ بنابراین هیچ‌گاه به‌تنهایی نمی‌توانند به‌عنوان راهکاری مدنی برای مبارزه با قلدری مجازی راهگشا باشند. لذا به‌کارگیری توأمان راهکارهای عدالت ترمیمی و عدالت سزاگرا بهترین تأثیر را در جبران خسارت بزه‌دیده و متنبه شدن بزه‌کار خواهد داشت. طرح دعوی شبه جرم نیز یارای مقابله با قلدری مجازی را نخواهد داشت؛ زیرا مبنای دعوی شبه جرم در کامن‌لا طرح دعوی افترا می‌باشد و یکی از موانعی که برای خواهان جهت پیروزی او در دعوی افترا مطرح می‌باشد آن



است که او باید جعلی بودن عبارات را به اثبات برساند و این امر نه تنها دشوار است بلکه منجر به اطلاع دادرسی شده و امکان احقاق حق برای خواهان به تعویق خواهد افتاد.

قلدری مجازی از لحاظ مفهوم‌شناسی، ویژگی‌های خاص و نیز رفتار فیزیکی با آنچه در خصوص قوانین هتک حیثیت، تهدید، اذیت و آزار و اخاذی در حقوق کیفری ایران و آمریکا وجود دارد متفاوت است و دلایل وجود این تفاوت در ماهیت و نیاز به جرم‌انگاری مجزا نیز به شرح ذیل است:

در کشور آمریکا قوانین هتک حیثیت در بیشتر ایالات به‌عنوان شبه جرم در نظر گرفته شده است و اساساً موضوعیتی در خصوص طرح آن در حقوق کیفری وجود ندارد. اصلاحیه اول قانون اساسی در این کشور از افترای ظاهری حمایت می‌کند و همین امر موجب آن می‌گردد تا دامنه شمول قوانین هتک حیثیت کاهش یابد و گفتارهایی را که در قالب شوخی یا تمسخر است در برنگیرد. همچنین قوانین هتک حیثیت در آمریکا در خصوص شخصیت‌های عمومی جامعه و سلبریتی‌ها اعمال می‌گردد درحالی‌که قلدری مجازی عموماً در خصوص اشخاص عادی جامعه است.

در قوانین ایران در خصوص اذیت و آزار روحی تنها در بند ۹ ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ جرم‌انگاری صورت گرفته است و در زمینه اذیت و آزار آنلاین (سایبراستاکینگ) نیز صرفاً اذیت و آزار تکرارشونده و با قصدی جرم‌انگاری شده که در آن بزه‌دیده به‌طور مکرر در فضای مجازی مورد تعقیب قرار می‌گیرد و دامنه وسیع رفتارهای قلدری مجازی را شامل نمی‌شود.

مواد قانونی مربوط به تهدید در حقوق کیفری ایران و آمریکا نشان‌دهنده این امر است که رفتار فیزیکی مقرر در این مواد با رفتار فیزیکی مقرر در قلدری مجازی که در قالب حالت است متفاوت می‌باشد.

با توجه به مقایسه تطبیقی فوق می‌توان به این نتیجه رسید که قلدری مجازی اساساً دارای تفاوت ماهیتی با جرم اخاذی در هر دو کشور می‌باشد. اولاً آنکه آسیب



وارده به بزهدیده از طریق اخاذی جنبه مالی دارد؛ این در حالی است که آسیب‌های مربوط به قلدری مجازی در غالب موارد صدمات حیثیتی و فشارهای روحی روانی است.

۸. فهرست منابع

۸-۱. منابع فارسی

الف) کتب

- ۱- بخشی‌زاده اهری، امین (۱۳۹۲). *محشای قانون مجازات اسلامی*، تهران، انتشارات جاوید نو، جلد ۲.
- ۲- پیرهادی، مسعود (۱۳۹۷). *جرایم، علیه حیثیت معنوی اشخاص در فضای مجازی و امکان سنجی اعاده حیثیت*، تهران، انتشارات بین المللی عصر قلم.
- ۳- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۵). *حقوق جزای عمومی ۲*، تهران، انتشارات مجد.
- ۴- عظیم زاده، شادی (۱۳۹۸). *حقوق جزای اختصاصی*، تهران، انتشارات دوران‌دیشان؛ جلد ۲.
- ۵- عطارزاده، سعید، انصاری، جلال (۱۳۹۹). *حقوق جزای اختصاصی جرایم رایانه‌ای*، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- ۶- لوراپردیو (۱۳۹۶). *قلدری*، حسنوند، باقر، خیرخواه، حانیه، تهران، انتشارات آوای نور.
- ۷- رحیمی موحد، نسترن (۱۳۹۹). *جرایم سایبری*، تهران، انتشارات نوآوران دانش.



پژوهش‌های حقوق تطبیقی/پائیز ۱۴۰۲/ دوره ۲۷/ شماره ۳/ پیاپی ۱۲۱/ صص ۷۶-۱۱۲

۸-مرادی، سهیلا و قدسی، ابراهیم (۱۳۹۹). نقش فضای سایبری در وقوع جرم، تهران، انتشارات ماهواره.

۹-میرمرادی، منصور (۱۳۹۹). جرایم سایبری، تهران، انتشارات ماهواره.

۱۰-نعمتیان، یوسف (۱۳۹۷). قلدری و مشکلات همراه، تهران، انتشارات آوای نور.

ب) مقالات

۱۱-آل طاه‌ها، سید حسین و عارف بشیری (۱۳۹۸). «نقدی بر قانون مجازات در ماهیت دفاع مشروع و رابطه آن با تهدید اخاذ به انتشار اسناد ناموسی در فضای مجازی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره ۱۲، صص ۱۹-۳۹.

۱۲-حاجی ده آبادی احمد اعتمادی امیر (۱۳۹۴). «اخاذی در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره ۴، صص ۳۱-۵۶.

۱۳-حقیقی، لیلا (۱۳۹۵). «مروری بر جرایم سایبری با تاکید بر قوانین مجازات رایانه‌ای»، دومین کنفرانس ملی راهکارهای توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران.
۱۴-حیدری، قاسم، پرویز عامری و علی آل بویه (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا»، پژوهش‌های روابط بین الملل، شماره ۲، صص ۲۶۳-۲۹۲.

۱۵-رحیمی، محمد مهدی، محمدعلی مهدوی ثابت، محمد آشوری و حسین آقایی نیا (۱۳۹۷). «جرم تهدید در حقوق کیفری ایران و آمریکا»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۳۶، صص ۷۷-۱۱۰.

۱۶- شرقی، مرضیه و پرویز عامری (۱۳۹۸). «مسئولیت مدنی ناشی از افترا در



نظام حقوقی کامن‌لا با رویکرد تطبیقی در حقوق ایران» پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲، صص ۵۷-۶۲.

۱۷- محمدپور، نیر، محمدباقر علیزاده اقدم، حسن پاشازاده و محمد عباس‌زاده (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی عدالت ترمیمی و عدالت کیفری بر اساس رویکرد جامعه‌شناسی حقوقی» فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، شماره ۲۸، صص ۱-۱۹.

۱۸- نوربخش، محمدامین و سیده سمیه والی زاده (۱۳۹۶). «جرم‌شناسی عدالت ترمیمی»، کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت حسابداری حقوق و علوم اجتماعی.

۲-۸. منابع انگلیسی

A) Books

19-Eoghan Casey, *Cybercrime Law United State perspective, Forensic Science Computers and Internet*, Third Edition.

B) Articles

20-Alison, V King (2010). " Constitutionality of cyberbullying laws: keeping the online playground safe for both teens and free speech ", *Vanderblit, law review*, Vol.63, PP. 845-884.

21-Annalaura N, Juan C, Anja S -K, Herbert S, R. O and Ersilia M (2010). " Cyberbullying:Labels, Behaviours and Definition, in Three European Countries, Australian ", *Journal of Guidance & Counselling*, Vol.20, PP.129-142.

22-Bostanci Bozbayindir,(2019). " Cyberbullying and criminal law ", *Istanbul Hukuk Mecmuasi*, Vol.77, PP.425-450.

23-Colette Langos(2014). " Regulation:A south Australian perspective ", *journal of finding law*, Vol.16, PP.73-109.

24-Coltte Langos,(2015). " Cyberbullying: The shades of harm,



university of south Australia ", *Psychiatry, Psychology and law*, Vol.22, PP.106-123.

25-Denis Binder(2016). " A Tort Perspective on Cyberbullying ", *Chapman Law Review*, Vol.19, PP.358-372.

26-David L. Hudson Jr (2020). "Cyberbullying and freedom of speech ", *Law Faculty Scholarship*, Vol.50, PP286-300.

27- Jennifer Urban,"The need for strict and defined cyberbullying laws", 2013.

-Jun F Chisholm (2014). " review of the status of cyberbullying and Cyberbullying prevention ", *journal of information system education*, Vol.25, PP.77-87.

28-Kwasi otopa Antiri (2016). " Types of bullying in the senior high schools Ghana ", *journal of education and practice*, Vol.7, PP.131-138.

29-Liat Franco and Khalid Ghanayim (2019). "The criminalization of Cyberbullying among children and Youth, Sanata Clara ", *Journal of International Law*, Vol.17, PP. 1-49.

30-Lucie Cor Coran, Conor MC Guckin and Garry Prentice(2015). " Cyberbullying or Cyber Aggression?: A Review of Existing Definitions of Cyber-Based Peer-to-Peer Aggression ", *society*, Vol.5, PP.245-255.

31-Nicholas M CGuire(2018). " Preserving The Jewel of their souls: How North Carolinas common law could save cyberbullying statute ", *D Uke Journal of Constitutional law and Publicity*, Vol.13, PP.57-83.

32-Ronen, Perry(2020). " Civil Liability for Cyberbullying ", *Journal UC Irvine*, Vol.10, pp.1220-1263.

33-Susan W. Brenner Megan Rehberg (2009). " Kiddie crime, The utility of criminal law in controlling cyberbullying ", *First Amendment Law Review*, Vol. 8, PP. 1-86.

34-Susan Hanley Duncan,(2016) cyberbullying and restorative justice", Springer International Publishing Switzerland



35-Saeed Rezayi, Vimala Balakrishnsn, Samira Arabnia, Hamid R. Arabnia(2018) Fake news and cyberbullying in the modern era”, International Conference Computational Science and Computational Intelligence

36-Tessa M. L. Kaufman- Gijs Huitsing, rene Veenstra (2020). " Refining victims self reporta ob bullying assessing frequency, intensity, power imbalance ",*Social Development*, Vol.29,P.P.375390.

C)Dissertations

37-Maria Luevanos (2020). **A policy analysis on California cyberbullying laws under the education code**, Master Thesis, Business and Public Administration, California State University.





Reviewing the Cyberbullying in Iranian and American Criminal Law

Seyedeh Ameneh Hosseini²⁸, Mohammad Reza Zandi^{*2}, Abbas Tadayyon³

1. Ph. D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Central Tehran Azad University, Tehran, Iran
2. Assistant Professor in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Central Tehran Azad University, Tehran, Iran
3. Assistant Professor in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Central Tehran Azad University, Tehran, Iran

Receive: 2023/08/05 Accept: 2023/11/19

Abstract

Cyberbullying (Virtual Bullying) is a new and multi-dimensional phenomenon that, although researchers have not been able to provide an agreed definition about it, it has led to a lot of harm to its victims, especially the young generation. Sites and social networks such as Instagram have provided new environments for its perpetrators, through which they publish false messages and information about people, or gain access to people's personal pages, and humiliate them online. This shows the necessity of criminal laws in this field. The purpose of this research is to investigate and analyze virtual bullying in Iranian and American criminal laws in order to verify the feasibility of applying these laws regarding virtual bullying cases. Therefore, in this regard, the concept of virtual bullying, its specific features, as well as related and similar laws in this field, such as defamation, threats, harassment, and extortion, were investigated in two countries, and as a result, while expressing the limitations of civil solutions in confronting virtual bullying and expressing the weaknesses of these solutions to deal with this phenomenon, as well as the inadequacy of related and existing laws, the necessity of its criminalization was determined in the criminal laws of the two countries. In this research, library and descriptive - analytical methods have been used.

Keywords: Virtual Bullying, Defamation, Threat, Quasi-Crime, Harassment

*Corresponding Author: dr.z.cyber@gmail.com